

ویژگی‌های یهود در طول تاریخ از دیدگاه فریقین با تأکید بر سوره حشر

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۹

محمد فاکر میبدی؛ استاد جامعه المصطفی العالمیه
لیلا احمدی؛ دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

چکیده

قرآن مجید صفات و ویژگی‌های اقوام گذشته از جمله یهود را برای عبرت آیندگان مطرح کرده است و این خصوصیات منحصر به آن دوره تاریخی نیست؛ برای مثال، طبق تحقیقات صورت گرفته، در عصر حاضر صهیونیسم نیز که نماد بارز یهود است، هنوز چنین خصوصیتی دارد. شناخت این صفات، مسلمین را در چگونگی برخورد و ارتباط با این قوم، یاری رسانده، به این نکته واقف می‌گرداند که ذلت یهود ابدی است؛ هرچند تمام منابع ثروت و قدرت جهان را در اختیار داشته باشند.

نوشتار پیش رو، پس از تبیین آیاتی از سوره مبارکه حشر که بیانگر صفات این قوم است، دیدگاه تعدادی از مفسران شیعه و سنی را بررسی و در تأیید این ویژگی‌ها به آیاتی از دیگر سوره‌های قرآن کریم نیز اشاره کرده است. در مرحله بعد، با تطبیق صفات مطرح شده قرآن با یهود معاصر، ثابت کرده است که یهود متأخر نیز تا حدود زیادی دنباله رو یهود متقدم است.

کلید واژه‌ها: قرآن، سوره حشر، ویژگی‌های اعتقادی، رفتاری و اخلاقی، قوم یهود.

طرح مسأله

اسلام همواره به دین یهود به عنوان یکی از ادیان بزرگ آسمانی به دیده احترام نگریسته؛ اما ملت یهود به استثنای گروهی از آنان، در طول تاریخ به دین الهی خود تعبد عملی نداشته و خداوند در قرآن کریم غالباً آنها را نکوهش و سرزنش کرده است. (مومنی، ۱۳۹۰: ۱۱)

در شرایط کنونی، شناخت دقیق قوم یهود، به ویژه نماد آن، صهیونیسم، به دلیل خطرهایی که از ناحیه آنان متوجه اسلام و مسلمانان شده، ضرورتی انکار ناپذیر یافته است. البته شناخت مبنایی این قوم به دلیل پیچیدگی‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی و نژادی شان، تا حدود زیادی فقط از طریق آیات وحی ممکن است و نه راه دیگری. توطئه‌های یهود همواره با تاریخ اسلام از همان آغاز تا امروز آمیخته بوده است. «از وقتی دعوت اسلام متوجه یهود گردید و از آنها تقاضای تصدیق و ایمان کرد، سرپیچی آنان آغاز شد و مبارزه علیه اسلام را شروع کردند» (عبدالفتاح، ۱۹۸۶: ۱۸) و تاکنون در بسیاری از حوادث دردناک، آنها را داخل صحنه یا در پشت آن مشاهده می‌کنیم.

مقاله حاضر درصدد یافتن پاسخ به این سؤالات است:

۱. قوم یهود در سوره حشر با چه ویژگی‌های معرفی شده است؟
 ۲. فریقین چه دیدگاهی نسبت به این خصوصیات دارند؟
 ۳. آیات دیگر درباره ویژگی‌های یهود در سوره حشر چه دیدگاهی دارند؟
 ۴. رابطه روش و منش یهود معاصر (صهیونیسم) با اجدادشان چگونه است؟
- این جستار پاسخ به این سؤالات را از دیدگاه فریقین با سه رویکرد اعتقادی، اخلاقی و رفتاری مورد بحث قرار می‌دهد. قلمرو پژوهش، محیطی و محدود است که به صورت بنیادی و به روش نقلی - وحیانی و نقلی - تاریخی به موضوع پرداخته است.

پیشینه

نویسندگان جهان شیعه مسئله یهود را امری مهم به شمار آورده و درباره آن کتاب‌های بسیار نوشته‌اند، چرا که بخش عمده‌ای از مباحث تاریخی قرآن، به بازگویی تاریخ بنی اسرائیل و یهود و رویارویی آنان با پیامبر آخر الزمان پرداخته است (طائب، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۸۷)، از جمله کتاب‌های: *السیره النبویه*، اثر ابن هشام؛ *دنیا بازیچه یهود*، اثر سید محمد حسینی شیرازی؛ *تبار انحراف* اثر مهدی طائب؛ *دائرة المعارف یهود*، *یهودیت و صهیونیسم*، اثر عبدالوهاب المیسری؛ *الیهود فی القرآن* **تالیف** عقیف عبدالفتاح طباره؛ *یهود و صهیونیسم* از منظر قرآن کریم، **تألیف** هادی آجیلی و همچنین مقالاتی مانند «نگاه جامعه شناختی به قوم یهود در قرآن» اثر محمد باقر آخوندی، «گزارش قرآن از یهودیان مدینه» **تالیف** محمد علی سلطانی و علاوه بر اینها، مفسران شیعه و سنی در ذیل آیات مربوط به یهود - به ویژه در تفاسیر موضوعی - به ویژگی‌هایی که این قوم در طول تاریخ داشته‌اند، اشاره کرده‌اند.

ویژگی این نوشتار نسبت به پژوهش‌های ارزشمند انجام شده، بررسی صفات یهود در تفاسیر بزرگ شیعه و سنی و تطبیق آن بر یهود معاصر است.

تبار شناسی

لفظ «یهودی» در لغت از ریشه «هاد» و به معنای «توبه کرد و به سوی حق بازگشت» گرفته شده است و «تهود» عبارت است از «توبه و عمل صالح» (المیسری، ۱۳۸۳: ۲۱/۴).

مؤلف قاموس کتاب مقدس می‌گوید: «یهودا چهارمین پسر یعقوب است که در بین النهرین تولد یافت و چون مادرش هنگام ولادت طفل، نهایت شکرگزاری را داشت بدان واسطه بدین اسم نامیده شد» (جمیز هاکس، ۱۳۴۹: ۹۷۷)

با این که واژه «یهود» در کتاب مقدس، هم به سرزمین یهود اشاره دارد و هم به قوم آنان؛ ولی معمولاً «اطلاق یهود» بر قوم بنی اسرائیل است. پس اسرائیل یعنی بنده خدا و لقب حضرت یعقوب فرزند اسحاق است» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۶). بنی اسرائیل به اعتبار یهودا، فرزند حضرت یعقوب، به این نام خوانده شدند، سپس این نام بر همه آنان اطلاق گردید. (توفیقی، ۱۳۸۰: ۹۰؛ صادقی، ۱۳۸۲: ۳۲). واژه «بنی اسرائیل» در مجموع ۴۲ بار در قرآن با همین عنوان آمده است. (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۶: ۹۷/۶)

موقعیت سوره حشر

سوره مبارکه حشر در ترتیب نزول یک صد و یکمین سوره و در ترتیب مصحف، پنجاه و نهمین سوره است و با بیست و چهار آیه در جزء بیست و هشت قرآن کریم جای گرفته است. این سوره به داستان مبارزه مسلمانان با یهودیان بنی نضیر اشاره دارد. این قوم در مدینه حدود شش ماه پس از جنگ احد یا بدر، عهد شکنی کردند و با مشرکان مکه علیه مسلمانان متحد شدند. وقتی پیمان شکنی یهود بر پیامبر صلی الله علیه و آله مسلم شد، دستور جنگ دادند و کشته شدن کعب بن اشرف، بزرگ یهود، به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله تزلزلی در یهود ایجاد کرد و آنها به قلعه‌های محکم خود پناه بردند. بعد از چند روز محاصره، قرار شد بنی نضیر مدینه را ترک کنند و آنان در هنگام ترک مدینه، خانه‌های خویش را به دست خویش ویران کردند تا اولاً هر آن چه را که امکان پذیر است، با خود ببرند و ثانیاً چیزی سالم به دست مسلمانان نرسد (قمی، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۸/۹)

قرطبی، ۱۴۱۶: ۲/۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱۵۳/۵)، با این که پس از نبرد احد، بنی نضیر با سوء قصد به جان پیامبر، پیمان خود را شکستند؛ ولی اولین گروه پیمان شکن نبودند و بنی قینقاع در این کار مقدم بودند. (طبری، ۱۴۰۳: ۲/۲۲۵؛ الواقدی، ۱۴۱۴: ۱/۳۶۴ تا ۳۶۸؛ الحمیری، بی تا: ۱۹۱/۲)،

قسمت‌هایی از سوره حشر به ویژگی‌های یهود اشاره دارد، که در سه دسته به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. ویژگی‌های اعتقادی

«اعتقاد» که در فرهنگ فارسی به معنای گرویدن و یقین کردن است در اصل واژه عربی و حروف اصلی آن «ع ق د» است. در کتب لغت، «عقد» مترادف «عهد» و «عاقده عقد» مانند «عاهدته عهدها» معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۱۴۱) با مرور در حقایق و بینش‌های فکری یهود، به صفات و خصوصیات می‌رسیم که باور قلبی و درونی آنها بود، از جمله:

۱-۱. گمان شکست‌ناپذیری

تکیه گاه یهود، اسباب و علل مادی بود، چون قومی مغرور و از خودراضی بودند، آنان عوامل و شرایط مادی را برای پیروزی کافی می‌دانستند. خداوند در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَوَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾ (حشر: ۲)؛ «و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود؛ اما خداوند از آن جا که گمان نمی‌کردند، به سراغشان آمد».

الف) دیدگاه شیعه

بنی نصیر به علم غیب خدا توجه نداشت و فقط به اسباب مادی متوسل می‌شد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰۰/۲۲) درمینه نیز امکانات وسیع و تجهیزات فراوانی داشت، به گونه‌ای که نه خودش باور می‌کرد که به این آسانی مغلوب شود و نه دیگران، ولی از آن جا که خدا می‌خواست به همه روشن سازد که چیزی در برابر اراده او قدرت مقاومت ندارد، حتی بدون این که جنگی رخ دهد، آنها را از آن سرزمین بیرون راند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۸/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱۹؛ مکارم، ۱۳۷۸: ۴۸۹/۲۳)

ب) دیدگاه اهل سنت

برخی از مفسران اهل سنت در مورد ضمیر «فاتاهم» دو احتمال داده‌اند: اگر ضمیر به یهود برگردد، یعنی از جایی که گمان نمی‌کردند، عذاب الهی بر آنان نازل شد و اگر به مؤمنان برگردد، یعنی خداوند از جایی آنان را یاری کرد که گمان نمی‌کردند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۰۲/۲۹). بنی نظیر شش قلعه و دژ محکم داشت. به همین دلیل فکر شکست و خارج شدن از آنها را نمی‌کرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵۹/۲۸) و همین دلخوشی بیش از حد به استواری دژها و حمایت آن می‌تواند دلیل تقدم خبر بر مبتدا در این آیه باشد. (زمخشری، ۱۴۱۶: ۴۹۹/۴)

بنابراین، شکست ناپذیری از اعتقادات قوی یهود است که بنابر نظر فریقین، دلخوش بودن به قوای محکم مادی یکی از زمینه‌های پیدایش چنین اعتقادی بوده است.

۱-۲. انحراف از راه خدا

آوارگی یهود، کیفر مخالفت آنها با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و در تاریخ به بهانه‌های مختلف، از جمله بی توجهی به خدا و آزار، اذیت و کشتن پیامبران، خود را نشان داده است و خداوند نیز در آیات مختلف قرآن به آن اشاره می‌فرماید از جمله: ﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ﴾ (حشر: ۱۳)؛ «وحشت از شما در دل‌های آنها بیش از ترس از خداست».

الف) دیدگاه شیعه

تفسیر نمونه آیه فوق را در مورد یهود «بنی نضیر» و عوامل شکست آنها در برابر مسلمین می‌داند؛ ولی *المیزان* می‌نویسد: «منافقان از شما مسلمانان بیشتر می‌ترسند تا از خدا»، بنابر این ضمیرهای جمع آیه ۱۳ را به منافقان بر می‌گردانند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱۹؛ الحویزی، ۱۴۲۲: ۳۲۸/۷)؛ ولی این ویژگی همه دشمنان اسلام است که از مسلمانان بیشتر از خدا می‌ترسند. مؤلف تفسیر نمونه، این آیه را، هم در سیاق وهم خارج سیاق مورد توجه قرار می‌دهد و در نتیجه آیه را قابل تطبیق بر تمام اعصار و زمان‌ها می‌داند و می‌نویسد: «اگر مسلمانان امروز به معنی واقعی کلمه، مسلمان، مؤمن و موحد باشند، نه تنها از قدرت‌های بزرگ نظامی و صنعتی دنیای امروز به خود وحشتی راه نمی‌دهند، بلکه آن قدرت‌ها از آنان می‌ترسند».

(مکارم، ۱۳۷۸: ۵۳۱/۲۳)

ب) دیدگاه اهل سنت

مفسران اهل سنت نیز به ترس زیاد دشمنان از مسلمانان اشاره می‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱۴) و معتقدند دلیل این که آنان آن گونه که باید از خدا نمی‌ترسند،

این است که او را نمی‌شناسند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹). در واقع خداوند از این طریق قوای مسلمین را تقویت کرد و به پیامبرش بشارت قرار دادن ترس از مسلمین را در دل دشمنانشان داد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۹۰/۲۸، ۹۱) بنابراین، فریقین در تفسیر این آیه هم نظر هستند.

قرآن کریم در آیات دیگر نیز به این عقیده باطل یهود اشاره دارد، از جمله می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶)؛ بگو ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدايید، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید!). در آیه دیگر آمده است: ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۷)؛ «ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند و خداوند ظالمان را بخوبی می‌شناسد». طبق این آیات، ترس از مرگ نشانه عدم صدق آنان در ادعای دوستی با خدا بود.

خداوند آزار رساندن یهود به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مؤمنان را در آیاتی از سوره مبارکه آل عمران بیان می‌فرماید، از جمله: ﴿لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا﴾ (آل عمران: ۱۸۶)؛ «به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شد (یهود)، و (هم چنین) از مشرکان، سخنان آزار دهنده فراوان خواهید شنید».

بنابراین، آیات سوره‌های دیگر قرآن نیز تأییدی بر مخالفت یهود با خداوند و پیامبران الهی است که در هر برهه از زمان نمود خاصی داشته است.

۲. ویژگی‌های رفتاری

بعد از بررسی ویژگی‌های اعتقادی، به ویژگی‌های رفتاری _ عملکردی یهود می-پردازیم:

۲-۱. حس خود برترینی

قبلاً گفتیم که یهود بنی نضیر عهد و پیمان خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله شکستند و مسلمانان به آنها اعلان جنگ کردند. بعد از شروع جنگ، قوم یهود - بنابر حس خودمحوری که داشتند- راضی نشدند خانه‌هایشان سالم به دست مسلمانان بیفتد، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (حشر: ۲)؛ «خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند».

الف) دیدگاه شیعه

علامه طباطبایی می‌نویسد: «خانه‌هایشان را به دست خود ویران می‌کردند تا به دست مسلمانان نیفتد و این از قوت سیطره‌ای بود که خدای تعالی بر آنان داشت و این که فرمود: به دست مؤمنان، بدین علت است که خدا به مؤمنان دستور داده و آنان را در به کرسی نشانیدن اراده اش موفق فرموده بود». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲/۱۹)

مسلمانان از بیرون، دژهای آنان را ویران می‌کردند که به داخل آن راه یابند و یهود از درون ویران می‌کردند تا سالم به دست مسلمانان نیفتد و نتیجه این همکاری، ویران شدن استحکامات آنها بود (مکارم، ۱۳۷۸: ۴۹۰/۲۳)، البته تخریب خانه‌ها می‌تواند اشاره به اختلال نظام زندگی نیز داشته باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۹/۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

عطف «ایدی المومنین» بر «ایدیهم» به این اعتبار است که یهود با دست مؤمنان خانه‌هایشان را خراب کردند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۵/۱۴). البته می‌توان تخریب خانه‌ها را به دست خودشان، حقیقت عمل و به دست مؤمنان، مجاز عقلی دانست، به اعتبار این که مؤمنان سبب تخریب بودند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۶۵).

از بررسی دیدگاه فریقین، خودبرتربینی یهود که انتظارحاکمیت بر تمام دنیا، یکی از پیامدهای آن است، اثبات می‌شود. آنان ادعا می‌کنند که خداوند زمین و حاکمیت بر آن را به آنان بخشیده است. *دائرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم* این ویژگی را این گونه مطرح می‌کند: «دین یهود، ازدواج میان یهودی و غیر یهودی را حرام می‌داند و از این لحاظ با بیشتر ادیان تفاوت چندانی ندارد؛ اما این حرمت در شکل افراطی آن، بیانگر لایه حلولی کمونی است که یهود را به عنوان ملت مقدس از سایر ملت‌ها که فاقد این قداست هستند، برتر می‌داند. در عهد عتیق (تثنیه ۷ / ۳) آمده است که: «با آنها ازدواج مکن. دختر خود را به پسرشان نده و دخترشان را برای پسر خویش خواستگاری مکن». (المیسری، ۱۳۸۳: ۴ / ۹۱)

احساس برتری در قوم یهود بر سایر اقوام، از گذشته تاکنون ادامه داشته است. در این باور، گاه مسیحیان نیز با آنها همراه بوده‌اند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ﴾ (مائده: ۱۸)؛ «یهود و نصاری می‌گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم».

هم چنین یهود معتقد بود که از عذاب و مجازات الهی در امان هستند. ﴿وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً﴾ (بقره: ۸۰)؛ «و گفتند هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید». هم چنین انحصار سرای آخرت به قوم یهود نیز که از عقاید بی اساس آنان است، در آیات ۹۴ و ۱۱۱ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۲. بهانه گیری در به جای آوردن فرامین الهی

خواست‌های عجیب یهود، بهانه گیری‌های بی اساس و اعمال نظر شخصی شان در اجرای فرامین الهی، در طول تاریخ زبانزد همه اقوام بوده است و چنین رفتاری امروز نیز ادامه دارد. شواهد قرآنی این ویژگی را تأیید می‌کند، از جمله آیه ۵ سوره حشر که در پاسخ به یکی از ایرادهای یهود بنی نضیر است، خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ﴿مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ﴾ (حشر: ۵)؛ «هر درخت با ارزش نخل را قطع و یا آن را به حال خود واگذار کردید، همه به فرمان خدا بود و هدف این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند».

الف) دیدگاه شیعه

اقدام مسلمانان به قطع درختان بنی نضیر، به اذن الهی بود (بحرانی، ۱۴۲۱: ۴۵۲/۹) و مایه خوارکردن کافران و عزت مسلمانان، بنابراین فساد در زمین محسوب نمی‌شد (طوسی، بی تا: ۵۶۱/۹). این مفهوم از حرف «لام» تعلیل در جمله «وليجزى الفاسقين» فهمیده می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۰۳/۱۹)، تفسیر نمونه به بعضی از علل قطع درختان اشاره کرده و می‌نویسد: «خداوند دست‌ور داد قسمتی از نخل‌های نزدیک قلعه‌های محکم یهود را ببرند (تا محل کافی برای نبرد باشد، یا برای این که یهود ناراحت شوند و از قلعه‌ها بیرون آیند و درگیری در خارج قلعه‌ها روی دهد). آنها گفتند: ای محمد! مگر تو نبودی که از این گونه کارها نهی می‌کردی؟ که این آیه نازل شد». (مکارم، ۱۳۷۸: ۴۹۵/۲۳)

ب) دیدگاه اهل سنت

در تفسیر کشاف آمده است: «خدای متعال به بریدن درختان فرمان داد تا بر خشم شما (یهود) بیفزاید و حسرت شما را دو چندان کند، وقتی ببینید درباره اموال شما هرگونه که دوست دارند، داوری و هرگونه که می‌خواهند، تصرف می‌کنند» (زمخشری، ۱۴۱۶: ۵۰۱/۴)

برخی مفسرین معتقدند آیه ناظر به کار دو نفر از اصحاب است که یکی درختان خوب را می‌برید تا یهود را به خشم آورد و دیگری نخل‌های کم ارزش را قطع می‌کرد تا آنچه پرارزش است، برای استفاده آیندگان باقی بماند و به همین علت میان آنها اختلاف افتاد. آیه نازل شد و گفت: هر دو به اذن الهی بود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۰۵/۲۹). پس آن چه مؤمنان انجام دادند، به اذن خدا بود و نتیجه اش عزت مؤمنان و خواری کافران. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۰/۲۸)

قرآن کریم در آیات ۵۵ و ۲۴۷ سوره بقره و همچنین آیه ۱۵۳ سوره نساء به صراحت به این ویژگی قوم یهود اشاره می‌کند: ﴿يَسْئَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (نساء: ۱۵۳)؛ «اهل کتاب از تو تقاضا می‌کنند کتابی از آسمان (یک جا) بر آنها نازل کنی (درحالی که این بهانه‌ای بیش نیست) آنها از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند خدا را آشکارا به ما نشان بده و به خاطر این ستم، صاعقه آنها را گرفت، سپس گوساله (سامری) را پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما آنها را عفو کردیم و به موسی برتری آشکاری دادیم».

۲-۳. محاربه با خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان

دو آیه از سوره حشر به این ویژگی اشاره دارد: آیه ۴ که بیانگر دشمنی یهود با خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و آیه ۱۴ که چگونگی و شیوه محاربه آنان را در جنگ تن به تن بیان می‌فرماید:

۲-۳-۱- آیه ۴ سوره حشر:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ «این به سبب آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند و هرکس با خدا دشمنی کند عذاب الهی (درحق او) شدید است». «شاقوا» از ماده «شقاق» به معنای مخالفت، دوگانگی و جدایی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۳۸)

الف) دیدگاه شیعه

در تفسیر *اطیب البیان* آمده است: «شاقوا به معنای جدا شدنی است که دیگر التیام پذیر نیست و به معنای محاربه و خیانت است. یهود با خدا و رسول محاربه می‌کنند. چنان چه از صدر اسلام تا الآن مشاهده می‌کنیم، چه اندازه مکر و حيله و خیانت با مسلمین دارند و البته جنگ با خدا فتح ندارد». (طیب، ۱۴۱۲: ۴۶۹/۱۲)

بنابراین، دشمنی آشکار این قوم با عظمت الهی نمایان است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰۱/۲۲). این آیه، نخست مخالفت با خدا و رسول را ذکر نموده، سپس فقط مخالفت با خدا را آورده و بعد مخالفت با رسول خدا را نیز مخالفت با خدا می-

داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲/۱۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

در این آیه «ذلک» - همان اتفاقی که نتیجه منطقی دشمنی آنان با خدا و رسول صلی الله علیه و آله بوده است - چیست؟ برخی مفسران «ذلک» را همان مسئله بیرون راندن بنی نضیر و مستحق عذاب دانستن آنان می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲/۱۹)؛ ولی می‌توان در معنای گسترده‌تر «ذلک» را اشاره به حوادث نازل شده بر قوم یهود در گذشته و آینده دانست. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۷/۱۴).

یکی از نتایج بارز دشمنی آنان با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، «تحریف گری» بود. «تحریف» از ریشه «ح ر ف» است که در کتب لغت به معنای «گردانیدن»، «کج کردن» و «تغییر دادن کلام و نوشته از وضع و حالت اصلی خود» آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۰۱/۱)، یعنی اعمال نظر شخصی بنی اسرائیل در فرامین الهی، علاوه بر تحریف آنان در تورات که به طور عمده برای منافع مادی و شخصی بود. قرآن کریم در آیاتی، از تحریف روشنی که یهودیان در جریان ظهور اسلام کردند، پرده بر می‌دارد (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱۷۲/۴۵)، از جمله در آیات ۷۵، ۴۱، ۷۸ و ۷۹ سوره مبارکه بقره.

۲-۳-۲- آیه ۱۴ سوره حشر: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ﴾؛ «آنها هرگز با شما به صورت دسته جمعی نمی‌جنگند، جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها، پیکارشان در میان خودشان شدید است (اما در برابر شما ناتوانند)».

الف) دیدگاه شیعه

«باسهم بینهم شدید» به معنی دشمنی سخت بعضی از ایشان با بعضی دیگر است، یعنی دل‌هایشان یکی نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۶/۹). برخی از مفسران معتقدند این آیه، هم به ترس منافقین از مسلمانان اشاره دارد و هم به بزدلی یهودیان (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱۹). البته آنها افرادی ضعیف و ناتوان و ناآگاه به فنون جنگ نیستند؛ زیرا پیکارشان در میان خودشان شدید است؛ اما چون ایمان و توکل بر خدا ندارند و متوسل به اسباب مادی می‌شوند، جز در پناه دیوارها و قلعه‌های محکم، جرأت جنگ با مؤمنان را ندارند. (مکارم، ۱۳۷۸: ۵۳۲/۲۳).

ب) دیدگاه اهل سنت

مفسران اهل سنت نیز معتقدند هم بنی‌نضیر و هم منافقین هنر جنگ تن به تن با مسلمانان را نداشتند و همواره در قلعه‌های محکم و یا از پشت دیوارها کارزار می‌کردند. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱۴). مفسران شیعه و سنی در تفسیر این آیه، هم داستان هستند و البته محاربه قوم یهود با خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسلمانان، در طول تاریخ کاملاً آشکار بوده و اکنون نیز خصومت ایشان با مسلمانان، به ویژه مردم مظلوم فلسطین عیان است.

۴-۲. وحدت ظاهری، تفرقه درونی

یکی از موهبت‌های الهی به مسلمانان این بود که یهودیان به رغم داشتن اتحاد ظاهری، گرفتار اختلافات و تفرقه‌های شدیدی در میان خود بودند و این، راه را برای شکست آنان هموار می‌کرد. خداوند می‌فرماید: ﴿تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ

شَتّی» (حشر: ۱۴)؛ «به ظاهرشان می‌نگری آنها را متحد می‌بینی درحالی که دل‌های آنها پراکنده است». «شَتّی» جمع «شَتّیت» یعنی «متفرق» است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۷۸۵/۲)

الف) دیدگاه شیعه

خداوند این قوم را به سبب اختلاف سخنانشان شکست داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۶/۹) و با این که در ظاهر متحد و متشکل بودند؛ ولی دل‌هایشان پراکنده بود و همین، عامل قوی خواری و بیچارگی آنها بود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳/۱۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

مؤلف تفسیر کشف می‌نویسد: «بین آنان کینه و دشمنی وجود دارد و چنان که باید، یاور یکدیگر نیستند و تیری که رها می‌کنند، از یک کمان نیست و این به مؤمنان جسارت پیکار می‌بخشد». (زمخشری، ۱۴۱۶: ۶۱۹/۴)

بنابراین عامل قوی خواری و بیچارگی آنان، تفرقه و پراکندگی دل‌هایشان بود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹) و همین ویژگی یهود، باعث دلگرمی و تشویق مؤمنان در جنگ با این قوم گردید. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۲/۱۴)

باید اذعان داشت که امروز یهود کاملاً متحد هستند و با وجود جمعیت کم (۵۰-۲۵ میلیون نفر) تقریباً به اهداف پلید خود رسیده‌اند؛ اما چرا قرآن کریم این قوم را فاقد وحدت می‌داند؟ پاسخ این است که یا خصوصیت این قوم را در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کند و یا اشاره به این دارد که این قوم، اتحادشان واقعی و ذاتی نیست و هیچ بعید نیست در آینده دوباره دچار تفرقه شوند؛ اما امروز بنا بر

مصالح، قومی، منسجم و متحد هستند و چه بسا امروز نیز پراکندگی دل‌هایشان پابرجاست اما وحدت ظاهری را حفظ کرده‌اند.

۵-۲- مشابهت رفتاری یهود به اقوام گذشته

اقوام یهود، به ویژه یهود بنی‌نضیر اشتباهات اقوام قبل از خود را تکرار می‌کردند و از آنان درس عبرت نمی‌گرفتند:

﴿كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُوا وِبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (حشر: ۱۵)؛ «کار این گروه از یهود همانند کسانی است که کمی قبل از آنها بودند، طعم تلخ کار خود را چشیدند و برای آنها عذاب دردناک است».

الف) دیدگاه شیعه

در مجمع‌البیان آمده است: «زهری و دیگران می‌گویند کار یهود بنی‌نضیر همانند مشرکینی است که در بدر کشته شدند، که شش ماه قبل از جنگ بنی‌نضیر بود؛ ولی ابن‌عباس می‌گوید آنهایی که پیش از ایشان به این زمان نزدیک بودند، بنی‌قینقاع بودند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۶/۹).

اکثر مفسرین شیعه سرگذشت یهود «بنی‌نضیر» را همانند ماجرای یهود «بنی‌قینقاع» می‌دانند که بعد از ماجرای بدر واقع شد. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۶۲/۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳/۱۹؛ مکارم، ۱۳۷۸: ۵۳۶/۲۳)

ب) دیدگاه اهل سنت

فخر رازی معتقد است مثل یهود بنی‌نضیر همانند قوم بدر است و ابن‌عاشور نیز همین قول را از مجاهد نقل می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۱/۲۹؛ ۱۴۲۰: ۹۶/۲۸)، ولی

مهم، نتیجه این تمثیل است این که انسان عاقل و هوشیار باید از تجربیات و سرگذشت‌های سایر اقوام در گذشته بهره ببرد. یهود بنی قینقاع یا قوم بدر و یا ... فریب منافقین را خوردند و همین اتفاق پس از مدت کوتاهی برای یهود بنی نضیر نیز تکرار شد.

۲-۶. فریب خوردن بنی نضیر از منافقان

با همه زرنگی و نیرنگِ یهود، منافقان آنان را فریب دادند درست همانند فریب خوردن انسان از شیطان که به او قول کمک و یاری می‌دهد، سپس در لحظه نیاز، او را رها کرده، تنها می‌گذارد: ﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ (حشر: ۱۶)؛ «کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)؛ اما هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است، بیم دارم».

الف) دیدگاه شیعه

مفسران فریب خوردن بنی نضیر از منافقان را درست مانند دعوت شیطان می‌دانند که انسان را به سوی کفر فرا می‌خواند و او را گرفتار کفر می‌سازد؛ ولی در لحظه مرگ، همان شیطان خود را کنار کشیده، می‌گوید: من از تو و رفتارتو بیزارم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳/۱۹؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۲۲). منظور از انسان در این آیه، تنها انسان‌هایی هستند که تحت تأثیر شیطان قرار گرفته‌اند (مکارم، ۱۳۷۸: ۵۳۷/۲۳). البته شیطان کسی را مجبور به کاری نمی‌کند، بلکه فقط او را وسوسه می‌نماید و عذاب و کیفر کافران نتیجه کار خودشان است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۴۴۹/۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

مؤلف تفسیر الدر المنثور می‌نویسد: «ابن اسحاق، ابن منذر و ابونعیم در کتاب دلائل از ابن عباس روایت کرده‌اند که گروهی از قبیله بنی عوف بن حارث - که عبدالله بن ابی سلول و ودیعۀ بن مالک و سوید و داعس از ایشان بودند شخصی را نزد بنی نضیر فرستادند که قلعه‌های خود را خالی نکنید و ایستادگی کنید که ما به آسانی شما را تسلیم دشمن نمی‌کنیم و اگر کارت‌ان به جنگ بینجامد، با دشمن شما می‌جنگیم و اگر کارت‌ان به جلای وطن بکشد، با شما می‌آییم و ما نیز جلای وطن می‌کنیم، بنی نضیر به امید یاری آنان تن به جنگ دادند؛ ولی منافقین یاریشان نکردند، برای این که خدا، ترس از مسلمانان را در دل‌هایشان بیفکند». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۶)

مفسران فریقین معتقدند منافقین با قوم بنی نضیر همان کاری را کردند که شیطان با انسان می‌کند؛ مدتی به این قوم قول یاری دادند و درست در زمانی که بنی نضیر به آنان نیاز داشتند، آنان را تنها گذاشتند و رفتند، چرا که در نفاق وفاداری نیست. البته این نیز از دیگر صفات قوم یهود است که در موارد متعدد با منافقان علیه مسلمانان همدست می‌شدند.

۷-۲. همراهی یهود با منافقان و پیمان شکنی

از جمله ویژگی‌های قوم یهود، اتحاد با منافقان در دشمنی با مسلمانان و عدم پایبندی به تعهدات اجتماعی است که در تاریخ یهود سابقه دیرینه و طولانی دارد، در جهان امروز نیز اتحاد یهود (=صهیونیسم) با قدرت‌های استعمارگر جهان به وضوح مشاهده می‌شود. خداوند در آیاتی از سوره مبارکه حشر به این اتحاد ظاهری، علی‌رغم اختلافات ریشه دار درونی اشاره می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

نَافِقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَ لَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿حشر: ۱۱﴾؛ «آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند: هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما خواهیم بود و سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد، و اگر با شما پیکار شود، یاری تان خواهیم کرد، و خداوند شهادت می دهد که آنها دروغگویانند!». هم چنین فرموده است: ﴿لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَ لَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَ لَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولُنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ﴾ ﴿حشر: ۱۲﴾؛ اگر آنها را بیرون کنند، با آنان بیرون نمی روند و اگر با آنها پیکار شود، یاری شان نخواهند کرد و اگر یاری شان کنند، پشت به میدان کرده، فرار می کنند، سپس کسی آنها را یاری نمی کند».

الف) دیدگاه شیعه

«منافق» در اصطلاح به کسی گفته می شود که به ظاهر مسلمان و در باطن کافر است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱۹/۲۲) و با این ظاهر اسلامی به مقصودش برای به دست آوردن غنیمت می رسد. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۵۶/۱۵)

در تفسیر المیزان آمده است: «آیه دوازده به تفصیل وعده منافقین را تکذیب و لام سوگند را به منظور تأکید تکرار می کند، یعنی سوگند می خورم که اگر بنی نضیر از دیارشان بیرون شوند، منافقین با ایشان نخواهند رفت و بار دیگر سوگند می خورم که اگر به جنگ مبتلا شوند، یاری شان نخواهند کرد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱۹)

این آیه گرچه در مورد خاصی نازل شده، به طور مسلم مخصوص به آن نیست این یک اصل کلی درباره رابطه «منافقان» با «سایر دشمنان اسلام» و همکاری نزدیک آنان با یکدیگر و وعده دادن به یکدیگر و بی پایه بودن تمام این قول و

قرارها است. این امر نه تنها در گذشته تاریخ اسلام رخ داد، که امروز هم نمونه‌های آن را در همکاری منافقان در کشورهای اسلامی با دشمنان اسلام به چشم می‌بینیم و در آینده نیز صادق است و به یقین اگر مؤمنان راستین به وظایف خود عمل کنند، بر آنها پیروز خواهند شد. (مکارم، ۱۳۷۸: ۲۳/۵۳۰)

شیعه معتقد است مراد از «برادران ایشان از اهل کتاب» با توجه به سیاق، همان یهودیان بنی نضیر هستند.

ب) دیدگاه اهل سنت

«اخوانهم» در این آیه کسانی هستند که بین منافقان و آنان اخوت کفر وجود دارد (زمخشری، ۱۴۱۶: ۴/۵۰۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸۹/۲۸). ابن عاشور معتقد است ضمیر در «اخرجوا» و «قوتلوا» به «الذین کفروا من اهل الکتاب» برمی‌گردد و منظور، بنی قریظه و یهود خیبر هستند. (همان)

آیات دیگر قرآن کریم نیز به پیمان شکنی یهود اشاره دارد و می‌فرماید: ﴿أَوْ كَلَّمَا عَاهِدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (بقره: ۱۰۰)؛ «و آیا هر بار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور نیفکندند؟ (و با آن مخالفت نکردند؟) و بیشتر آنها ایمان نمی‌آورند»؛ هم چنین است آیات ۸۳ و ۸۴ سوره مبارکه بقره، هم چنین ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾ (انفال: ۵۶)؛ «همان کسانی که با آنها پیمان بستی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند». در قرآن حکیم و شرح آیات منتخب ذیل این آیه آمده است: «آیات ۵۵ تا ۵۸ این سوره بر پیمان شکنی طایفه‌های یهود که در مدینه و اطراف آن حضور داشتند، منطبق است.»

از مجموع مطالب قرآن و تورات استفاده می‌شود که یهودیان خواهان حاکمیت بر تمام دنیا هستند و ادعا می‌کنند که خداوند، زمین و حاکمیت بر آن را به آنان بخشیده است، به همین جهت آنان مردم روی زمین را سه دسته می‌دانند:

۱. بنی اسرائیل؛ که نژاد برتر و هدف از خلقت‌اند.
۲. غیر بنی اسرائیل که این قوم را نژاد برتر می‌دانند؛ اینان به عنوان انسان درجه دوم، حق حیات دارند و خدمتگزار بنی اسرائیل‌اند.
۳. غیر بنی اسرائیل که با برتری بنی اسرائیل مخالف‌اند؛ اینان باید کشته شوند. (طائب، ۱۳۹۰: ۱۶/۱).

۳. ویژگی‌های اخلاقی

بعد از بررسی ویژگی‌های اعتقادی و رفتاری قوم یهود، به ویژگی‌های اخلاقی این قوم در سوره حشر می‌پردازیم. اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به بعضی اعمال که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود. (مکارم، ۱۳۷۷: ۲۴/۱)

۳-۱. اضطراب و وحشت
یکی از امدادهای الهی که همواره خداوند به وسیله آن مسلمانان را یاری کرده است، القای اضطراب و ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان بوده است: ﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾ (حشر: ۲)؛ «و در قلب آنها ترس و وحشت افکند».

الف) دیدگاه شیعه

بعضی مفسران شیعه، علت ترس قوم یهود را کشته شدن بزرگشان- کعب بن اشرف- می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۸/۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۱۹/۱۵)؛ ولی تفسیر نمونه این موضوع را رد کرده و می‌نویسد: «درست است کشته شدن رئیسشان وحشتی بر دل آنها افکنده بود؛ ولی مسلماً منظور از آیه این نیست، بلکه نوعی امداد الهی بوده که بارها در جنگ‌های اسلامی به یاری مسلمین می‌شتافت».

(مکارم، ۱۳۷۸: ۴۹۰/۲۳)

در تفسیر المیزان آمده است: «خدای تعالی از جایی و از دری به سراغشان آمد که هیچ خیال نمی‌کردند و منظور از آمدن خدا، نفوذ اراده او در میان آنان است؛ اما نه از راهی که آنان گمان می‌کردند، بلکه از طریق باطنشان که همان راه‌های قلبی شان است».

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲/۱۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

«رعب یعنی بیمی که سینه شخص سرشار از آن می‌شود» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۹۹). وقوع ترس در قلوب یهود آنی بود و بدون دلیل (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۳/۲۸) و از آنجا که همه امور به دست خداست، این امر نیز از طرف خدا بود. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۰۳/۲۹)

بنابراین، ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان به عنوان یکی از امدادهای الهی، در این جنگ نیز به کمک مسلمانان آمد، همان طور که به امر خدا در دل‌های یهودیان هم پیمان با مشرکان در جنگ احزاب نیز وحشت و اضطراب القا شد که در آیه ۲۶ سوره مبارکه احزاب به آن اشاره شده است.

۲-۳. عدم تفکر و تعقل

از ویژگی‌های بارز قوم یهود که در فرازهای قبل به آن اشاره شد، یکی ترسی بود که از مسلمانان بیشتر از خدا داشتند و دیگری پراکندگی دل‌هایشان. آیات ۱۳ و ۱۴ سوره حشر به علل این صفات که عدم تعقل و تفکر است، اشاره می‌کند.

۳-۲-۱. آیه ۱۳ سوره حشر

﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾؛ «وحشت از شما در دل‌های آنها بیش از ترس از خدا است. این به آن جهت است که آنها گروهی نادان‌اند».

الف) دیدگاه شیعه

قوم یهود مردمی هستند که حق را نمی‌شناسند و بزرگی خدا و سختی عذاب و عقوبت او را نمی‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۵/۹) و ترس آنان نیز به دلیل نشناختن عظمت و قدرت خداست. (فضل الله، ۱۳۷۲: ۱۲۱/۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۵۹/۱۵)

علامه طباطبائی نیز با اشاره‌ای زیبا، عدم فهم را علت ترسشان می‌داند و می‌نویسد: «این که گفتیم از شما بیشتر می‌ترسند تا از خدا، علتش این است که مردمی بی شعورند، یعنی آن طور که باید نمی‌فهمند و اگر حقیقت امر را می‌فهمیدند، پی می‌بردند که زمام امر به دست خداست، نه به دست غیر خدا».

(طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱۹).

ب) دیدگاه اهل سنت

با توجه به این که «باء» در «بانهم» سببیه است و دلیل جمله قبل را بیان می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۹۳/۲۸)، پس ترس آنان (منافقان و برادران کافرشان از اهل کتاب) به دلیل نشناختن عظمت و قدرت خداست. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹)

بنا بر تفاسیر شیعه و سنی ترس نداشتن از خدا ناشی از فهم نداشتن است که مشکلات دیگری نیز به دنبال دارد.

۲-۳. آیه ۱۴ سوره حشر

﴿تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾؛ «به ظاهرشان می‌نگری آنها را متحد می‌بینی در حالی که دل‌های آنها پراکنده است. این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند».

الف) دیدگاه شیعه

عدم تعقل، علت تفرقه و پراکندگی بین منافقین و یهود بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱۹) و علت عدم تعقل نیز این بود که عقل کاملی که به حقیقت هدایتشان کند، نداشتند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲۲/۲۲) و مسلماً دل‌های کسانی که بخلاف عقل عمل می‌کنند، پراکنده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۶/۹)

ب) دیدگاه اهل سنت:

در تفسیر روح المعانی برای «لا یعقلون» دو وجه بیان شده است: «الف) چون بهره‌ای از عقل ندارند، پس قومی هستند که فکر نمی‌کنند.

ب) تعقل نمی‌کنند، چون قلب‌هایشان پراکنده است و سست بنیان هستند». (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴/۵۱۰)

ابن عاشور نیز با طبرسی هم عقیده است که دل‌های کسانی که بخلاف عقل عمل می‌کنند، پراکنده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸/۹۵)

بنابراین بین مفسرین شیعه و سنی، گروهی معتقدند آنان عقل داشتند؛ ولی تعقل نمی‌کردند و گروهی معتقدند آنان عقل کامل نداشتند و به همین دلیل تعقل نمی‌کردند که تفاوتی در نتیجه بحث ندارد، اگر عقل نباشد، به یقین تحقق اتحاد در یک جامعه ممکن نیست، هرچند آن جامعه به صورت ظاهری متحد باشد؛ ولی دل‌هایشان به سبب عدم تعقل متفرق است.

۳-۳. خدا فراموشی

قوم یهود به خداوند و آفریدگار هستی اعتقاد داشتند؛ ولی دنیاگرایی و ذوب شدن در زندگی مادی باعث شده بود که خدا را فراموش کنند. قرآن کریم این فراموشی و عواقب آن را این گونه بیان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾ (حشر: ۱۹)؛ «و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد».

الف) دیدگاه شیعه

صاحب مجمع البیان می‌نویسد: «اینان خدا را فراموش و ادا کردن حق او را ترک کردند. پس خدا کاری کرد که ایشان خودشان را فراموش کردند، به این معنا که آنان را از بهره خیر و ثواب محروم ساخت». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۸/۹)

به عبارتی دیگر، آنان از آمادگی برای قیامت طفره رفتند، خدا نیز آنان را رها کرد (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۱۴/۱) به یقین انسانی که خدا را فراموش کند، خود را مستقل در هستی می‌پندارد و به جای پروردگار به نفس خود اعتماد می‌کند. بنابراین، پروردگار خود و بازگشتش به سوی او را فراموش می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۹/۱۹)

ب) دیدگاه اهل سنت

همان طور که در آیه (حشر: ۱۹) هم اشاره شده است، اصلی ترین نتیجه خدا فراموشی، خود فراموشی است. «آثار خود فراموشی، هم در دنیا و هم در آخرت دامن گیر این افراد است» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۱/۲۹) و یکی از نتایج آن این است که چنین انسانی در فسق به بالاترین حد خود می‌رسد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰۲/۲۸)

فریقین اشاره آیه را به یهود بنی نضیر، بنی قینقاع و منافقانی که در دشمنی با خدا مانند یهودیان بودند، می‌دانند و بر ارتباط بین فراموش کردن خدا و فراموش کردن خود تاکید می‌کنند. علامه مجلسی درباره نتایج غفلت از یاد خدا سخن گهرباری از امام علی علیه السلام نقل می‌کند: «انما نسوا الله فی دارالدنیا لم یعملوا بطاعته: کسی که خدا را فراموش کند، در دنیا به فرامین او عمل نمی‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۹۰)

یکی از نتایج خدا فراموشی، دنیاگرایی است که در قوم یهود به شکل‌های مختلف، از جمله علاقه شدید به جمع آوری ثروت مشاهده می‌شود، آیه ۶۹ سوره بقره نیز آن را تأیید می‌کند. بنابراین، همه اقوام باید بدانند که دنیا گرایی و ذوب شدن در

مادیات علت اصلی خدا فراموشی است و خدا فراموشی، خود فراموشی را به دنبال دارد و این مختص به قوم یهود نیست.

در سوره جاثیه نیز عواقب غفلت از یاد خداوند این گونه مطرح شده است: ﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (جاثیه: ۳۴)؛ «و به آنها گفته می‌شود: امروز شما را فراموش می‌کنیم، همان گونه که شما دیدار امروز را فراموش کردید و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید». در دیدگاه قرآن کریم، «خواری و ذلت» قوم یهود در دنیا به عنوان یک عذاب الهی، تا قیامت پابرجاست. (آجیلی، ۱۳۹۰: ۲۸۳) که می‌توان آن را یکی از نتایج خدا فراموشی دانست.

۳-۴. فسق

در بحث قبل اشاره شد که یکی از ویژگی‌های قوم یهود، فراموش کردن خداست. در انتهای آیه ۱۹ یکی از آثار مهم خدا فراموشی این گونه بیان شده است: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (حشر: ۱۹)؛ «آنها فاسق و گنهکارند». «فاسق» به کسی گفته می‌شود که به حکم شرع معتقد باشد و به آن اعتراف کند؛ ولی بخشی یا تمام احکام الهی را نادیده بگیرد. به عبارتی دیگر، از حدود الهی خارج شود». (راغب، ۱۳۸۵: ۳۴۲)

الف) دیدگاه شیعه

در آیه مورد نظر، هم الفاسقون بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع هستند که از طاعت خدا به سوی معصیت او رفتند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۸/۹)، یعنی از «زی» عبودیت خارج شدند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۹/۱۹). اصولاً یکی از بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مصائب انسان، خود فراموشی است، چرا که ارزش‌ها و استعدادها و

لیاقت‌های ذاتی خود را که خدا در او نهفته و از بقیه مخلوقات ممتازش ساخته، به دست فراموشی می‌سپرد و این مساوی با فراموش کردن انسانیت خویش است. (مکارم، ۱۳۷۸: ۵۴۱/۲۳)

ب) دیدگاه اهل سنت

خدا فراموشی، خود فراموشی را به همراه دارد و نتیجه خود فراموشی نیز چیزی جز رسیدن به آخرین حد فسق و گناه نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۱/۲۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰۲/۲۸) بنابراین خدا فراموشی علت خود فراموشی است و خود فراموشی علت اصلی فسق و گناه است.

نظیر همین معنا در سوره توبه در خصوص منافقان آمده است: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (توبه: ۶۷)؛ «مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه‌اند، آنها امر به منکر، و نهی از معروف، می‌کنند و دست‌هایشان را (از انفاق و بخشش) می‌بندند، خدا را فراموش کردند و خدا آنها را فراموش کرد (و رحمتش را از آنها برید). منافقان به یقین فاسقند». بنابراین هر چه انسان به سمت فسق و نافرمانی از طاعت خداوند گام بردارد، به همان اندازه دچار خود فراموشی می‌شود.

۵-۳. عدم خشوع در مقابل قرآن

قرآن عظمتی وصف ناشدنی دارد و این گونه آن را توصیف می‌کند: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾ (حشر: ۲۱)؛ «اگر این قرآن را

بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدى که در برابر آن خشوع می‌کند و از خوف خدا می‌شکافد». قوم یهود از جمله کسانی بودند که وقتی قرآن با آن عظمت بر آنان نازل شد- با این که منتظر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند - نه تنها خاشع و متواضع نشدند، بلکه از طرق مختلف به دشمنی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و آیین و کتابش پرداختند و تا امروز نیز این دشمنی ادامه داشته است. «التصدع» از «صدع» است و «صدع» به معنای شکاف و خلل در اجسام سخت، مثل شیشه و آهن است. (راغب، ۱۳۸۵: ۲۴۸)

الف) دیدگاه شیعه

«التصدع» به معنی پراکنده و ریز ریز شدن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۹/۹). عده‌ای از مفسران معتقدند این آیه مثلی گویاست از عظمت و جلالت قدر قرآن. وقتی حال کوه در برابر قرآن، به خاطر معارف حقیقی و اصول و شرایع و عبرت‌ها و مواعظ و وعد و وعیدهایی که در آن است، چنین باشد، انسان سزاوارتر است که وقتی قرآن بر او تلاوت می‌شود و یا خودش آن را تلاوت می‌کند قلبش خاشع گردد، بنابراین جای تعجب است که جمعی از انسان‌ها نه تنها از شنیدن قرآن خاشع نمی‌گردند و دچار ترس و دلواپسی نمی‌شوند، بلکه در مقام دشمنی و مخالفت بر می‌آیند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۱/۱۹؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۲۲)

البته مسلم است آن چیزی که کوه در برابر آن خاشع می‌شود مضامین بلند قرآن است، نه حروف و برگه‌های آن. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۱۶/۱۵)

ب) دیدگاه اهل سنت

در تفسیر *مفاتیح الغیب* آمده: «اگر خداوند به کوه عقل می‌داد، همان گونه که برای شما قرار داد و سپس قرآن را بر آن نازل می‌کرد، کوه از ترس عظمت خدا، خاشع می‌شد و خضوع می‌کرد و شکاف برمی‌داشت». (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۲/۲۹)

آلوسی هم عقیده با مفسران شیعه از جمله علامه طباطبائی است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۵/۱۴)

در دیگر عبارات بلند قرآن کریم نیز استکبار کفر پیشگان یهود در برابر آیات خداوند تاکید شده است، از جمله آیات ۸۸ و ۸۷ بقره، ۱۶۶ و ۱۶۳ اعراف.

نتیجه

در این نوشتار، پس از بررسی پیشینه بحث، تبارشناسی قوم یهود و نگاهی به سوره حشر، ویژگی‌ها و صفات این قوم در سه بخش اعتقادی، رفتاری و اخلاقی از دیدگاه فریقین بررسی شد:

۱. در بحث اعتقادی، گمان شکست ناپذیری و انحراف از راه خدا با تطبیق بر آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفت.

۲. در ویژگی‌های رفتاری، حس خودبرتربینی، بهانه‌گیری در به جای آوردن فرامین الهی، محاربه با خدا، پیامبر و مسلمانان، وحدت ظاهری تفرقه درونی، مشابهت رفتاری یهود با اقوام گذشته، فریب خوردن بنی نضیر از منافقان و همراهی یهود با منافقان و پیمان شکنی تحلیل و بررسی شد.

۳. در ویژگی‌های اخلاقی نیز اضطراب و وحشت، عدم تفکر و تعقل، خدا فراموشی، فسق و عدم خشوع در مقابل قرآن با تکیه بر آیات مبارکه سوره حشر بیان شد.

پس از تحلیل و جمع بندی این صفات می توان به نتایجی در مورد این قوم رسید، از جمله این که ایمان ناقص و سطحی بنی اسرائیل هم چنین خدافراموشی عامل بسیاری از رفتارهای ناروا و سخیف این قوم بود و دشمنی یهود با مردم دنیا به ویژه مسلمانان، در طول تاریخ آشکار و واضح است، هم چنین قوم یهود هر چند در برهه‌هایی از زمان به ظاهر متحد بودند، ولی بنا بر آیات شریفه قرآن این اتحاد، گذرا و ظاهری است و در اصل قومی متفرق‌اند.

ویژگی‌های که در سوره حشر به عنوان صفات منفی برای قوم یهود نام برده شد، مختص به این قوم نیست. در طول تاریخ هر شخص یا گروهی که به اوامر و نواهی الهی بی توجه باشد، نمادی از این قوم است از جمله منافقان.

مفسران شیعه و سنی در بررسی صفات و ویژگی‌های قوم یهود تا حد زیادی هم عقیده هستند و اختلافات جزئی خلی در اتفاق نظر آنان در ویژگی‌های اساسی این قوم- که اشاره شد- ایجاد نمی‌کند.

بنابراین مسلمانان در برخورد با قوم یهود و صهیونیسم، باید مراقب اخبار، اطلاعات، کتب و به طور کلی محصولات رسانه‌ای آنها باشند، چرا که این قوم اهل تحریف، مکر و حيله هستند و قصد تفرقه افکنی و توطئه چینی میان مسلمین دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، نوبت چهارم، تهران مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷ ش.
۲. نهج البلاغه، گرد آوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، بیروت. ۱۳۸۷ ش.
۳. آجیلی، هادی، یهود و صهیونیسم از منظر قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۴. آخوندی، محمد باقر، «نگاه جامعه شناختی به قوم یهود در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۴۵، ۱۶۲ تا ۲۰۴، ۱۳۸۵ ش.
۵. آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر معروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت موسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر قرآن، لبنان، بیروت موسسه البعثه، ۱۴۲۱ ق.
۸. ترکمانی، حسینعلی، «تحقیقی در زمینه مفردات سوره حشر»، مجله ترجمان وحی، ۲، ۱۳۸۵ ش.
۹. توفیقی، حسین، آشنائی با ادیان بزرگ، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه البعثه، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد، دنیا بازیچه یهود، مترجم سید هادی مدرسی، اصفهان، بینش آزادگان، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. حمیری، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۳. حویزی، علی ابن جمعه، تفسیر نور الثقلین، بیروت، موسسه التاریخ، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، مفردات راغب، مترجم: مصطفی رحیمی نیا، تهران، نشر سبحان، ۱۳۸۵ ش.

۱۶. رسولی فر، روح اله، منطق قرآن در برخورد با یهود و نصارا، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۵ش.
۱۷. رضایی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم، عصر ظهور، ۱۳۸۹ش.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۶ق.
۱۹. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، اسلام، ۱۳۸۵ش.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المثور فی التفسیر بالماثور، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. صادقی، مصطفی، پیامبر صلی الله علیه و آله و یهود حجاز، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۲۲. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طائب، مهدی و همکاران، تبار انحراف، قم، ولاء منتظر، ۱۳۹۰ش.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مصحح یزدی طباطبایی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲ش.
۲۶. طبری، محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۹. عبدالفتاح طباره، عقیف، اليهود فی القرآن، چاپ ۱۱، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶م.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محققان: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، موسسه دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۲. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، دار الحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم، جزائری، ۱۴۰۴ق.

۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۶. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، بیروت، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائره المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۳۸. المسیری، عبدالوهاب، دائره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۴۱. مومنی، علی اکبر، بررسی تحلیلی مواجهه قرآن با یهود، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ش.
۴۲. واقدی، محمد بن عمر المغازی، تحقیق مارسدن جونس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۳. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۹ش.

